

حقیقت

ویژه روز کارگر ۷ اردیبهشت ۱۳۶۰

خواسته های اساسی طبقه کارگر

در اول ماه مه امسال

صفحه ۱۲



پیام اتحادیه

گمونیستهای

ایران

بمناسبت

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰

عید جهانی کارگران

صفحه ۵

طبقه کارگر و انقلاب

مقاله ای پیرامون
جایگاه طبقه کارگر
ایران در انقلاب ما
صفحه ۲

فرجام انقلاب منوط به آنست که آیا طبقه کارگر نقش همدست
بورژوازی را بازی خواهد کرد، همدستی که از لحاظ تعرض علیه
حکومت مطلقه، توانا ولی از لحاظ سیاسی ناتوان است. یا
اینکه نقش رهبر انقلاب سوده ای را.

(لنین - دوتاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک -
ژوئیه ۱۹۰۵ - از منتخب آثار فارسی)

مقاله زیر بمناسبت
سالگرد قیام ۲۲ بهمن در
"حقیقت" شماره ۱۰۸ (۱۹ بهمن
۱۳۵۹) درج گردیده است. نظر
به اینکه نکات مطرحه در آن در
حال حاضر نیز بهم هستند، ما به
تجدید چاپ آن در این ویژه نامه
۱۱ اردیبهشت مبادرت میورزیم

شرکت کنندگان در اعتراضات و اعتراضات کارگری (به هزار نفر)

۵ ماهه اول ۱۳۵۷	شهریور ۱۳۵۷	مهر ۱۳۵۷	آبان ۱۳۵۷
۳۰ - ۴۰	۳۰ - ۴۰	بالای ۱۰۰	بالای ۲۰۰

جدول بالا بروشنی آهنگ رشد سریع جنبش کارگری را در سال ۱۳۵۷ نشان میدهد. در ۵ ماهه اول سال، بین ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر در اعتراضات کارگری شرکت داشته اند. در صورتیکه در ماه شهریور ۵۷ با اندازه تمام ۵ ماهه گذشته اش وارد عرصه مبارزه کارگری میگردد. در مهرماه آهنگ رشدی معادل بیش از ۱۰۰٪ و در آبان ماه همان آهنگ رشد ۱۰۰٪ حفظ میگردد. این امر نشان دهنده هجوم طبقه کارگر به عرصه مبارزه است. در سال ۱۳۵۷ می - باشد. هم چنین رشدی سابقه جنبش کارگری از شهریور ۱۳۵۷ نشان دهنده یک جهش در جنبش کارگری در این سال میباشد. حال سبب توجه است که این دوران رشد سریع در جنبش کارگری مصداق است با همه گیر شدن جنبش فدرالیستی و تظاهرات میلیونی مردم تهران و شهرستانها در عید فطر (۱۶ شهریور ۵۷) و جمعه خونین (۱۷ شهریور). گسترش بی سابقه اعتراضات کارگری پس از شهریور ماه دقیقا با رشد گسترش جنبش انقلابی عمومی مردم ایران در ارتباط مستقیم بوده است.

جنبش کارگری ایران نه تنها از شهریور ۱۳۵۷ رشد کمی بی سابقه ای نسبت به گذشته مینماید، بلکه از لحاظ مضمون نیز گامهای موثری به جلو بر میدارد. در حقیقت از این پس از بسک جنبش کارگری اقتصادی به یک جنبش کارگری سیاسی تبدیل میشود. اگرچه در ماههای اول سال ۱۳۵۷ اعتراضات و تظاهرات با خراسته های سیاسی انجام میگردد، ولی این امر همه گیر نبوده است. ولی از شهریور ۱۳۵۷ بیعدخواسته های سیاسی خواستهای اقتصادی کارگران را تحت الشعاع قرار میدهد. بر جمدها این جنبش سیاسی کارگری، بحق کارگران منصف نشد ایران بوده اند که ضربه سنگینی بر پیکر پیوسته دربار پهلوی نواختند. جنبش کارگری - و مخصوص پرولتاریا با تجربه و صنعتی ایران - آنچنان سیاسی میگردد که در تمام آبانها ۱۳۵۷ با لایشگاه تبریز با مریاد "ما خواست ضمنی نداریم" - سروری اعتماد می رود و خواسته های بگدست سیاسی زیر را اعلام مینماید که خواسته های ملت و همه جنبش کارگری در آن زمان بودند:

« آزادی کلیه زندانیان سیاسی » با زکات تبعیدشدگان
 « لغو حکومت نظامی » انحلال مجلسین « انحلال سازمان امنیت » تشکیل دادگاه ملی و محاکمه خائنان « لغو قرار دادهای تحمیلی نفت » عدم وابستگی ریال به دلار « پشتیبانی و اعلام همبستگی ارکلیه خواستهای کارکنان صنعت نفت جنوب »
 بنا بر این ۷ شهریور ۵۷ نه تنها دوران جهش جنبش کارگری از لحاظ کمی بوده است، بلکه اساسا از این پس جنبش کارگری جهتی کیفی بجای مینماید و دستا به یک جنبش سیاسی وارد عرصه انقلاب ایران میگردد. در همین جا این نکته را بگوئیم که این نقطه حرجی جنبش کارگری، با اندازه جری و اوچ گیری جنبش عمومی مردم انبیا دارد. قاطبه مردم ایران از این پس دوران سید (دوران ۸ مردانه فاجعه مینماید که آبدان - ۱۷ شهریور - جمعه خونین و اعلام حکومت نظامی) - روزی فاطم خود را با رژیم سلطنتی بطور آشکارا نامدادند و عزم خود را برای سرنگونی کامل و سون کموکاست رژیم سلطنتی اعلام داشتند. از

طبقه کارگر ایران بیش از هر طبقه دیگری در جامعه ایران خواهان برانداختن رژیم استبدادی و وابسته بیگانه پهلوی بود. طبقه کارگر ایران بیش از هر طبقه دیگری در جامعه ایران خواهان تسویه حساب انقلابی با نظام منبیه فئودالی و وابسته سلط بر جامعه، حل قطعی ربه شیوه انقلابی تضادهای مرحله بورژوا دمکراتیک انقلاب ایران و گام نهادن به مرحله انقلاب سوسیالیستی بوده و هست. طبقه کارگر در تاجرب تاریخی خود دریافت کرده است که بدون گذار از مرحله بورژوا - دمکراتیک انقلاب، بدون برافراشتن پرچم آرا دیبخش ملی و دموکراتیک بر علیه امپریالیسم و نیروهای طبقاتی حافظ نظام بورژوا - فئودالی حاکم بر جامعه، نمیتوانند به مقصود و منظور ملی خود، یعنی تسویه حساب با هرگونه واسط استعماری استگرا نه، نائل گردند. از همین رو فعلا نه و بیگیرانه در انقلاب بورژوا - دمکراتیک شرکت میکنند و بدان شتاب میبخشد. از همین رو طبقه کارگر مخالف هرگونه تمایلات رفرمیستی و تدریج کاری بورژوازی ملی و خرده بورژوازی سوده و کوشش میکند تا با کسب رهبری انقلاب، این مرحله را به شیوه ای انقلابی و سریع به پیش برد. هیچ چیز با اندازه، یک جراحی انقلابی و بدور افکندن دمل پیوسته روابط بورژوا - فئودالی بنفع طبقه کارگر نیست. از همین رو طبقه کارگر بطور فعال و با روحیه ای سرشار از شور و انقلابی بر علیه نظام پیوسته سلطنت محمدرضا شاه - شرکت کرد و قهرمانی و جانفشانی های بسیاری در راه به سرانجام رساندن انقلاب انجام داد و در بسیاری موارد به انقلاب فساد سلطنتی مردم ایران قاطعیت و ادیکالیسم معینی بخشید. ولی طبقه کارگر بعلت ناتوانی سیاسی اش نتوانست آن نتایج خرد در خواست خود را از انقلاب تا کنون بدست آورد.

نگاهی اجمالی به جنبش طبقه در سال ۱۳۵۷

جنبش طبقه کارگر در سالهای ۵۶ و ۵۷ وارد دوران اوچ گیری خود گردید. این اوچگیری مسلما در نتیجه تبارز آشکار بحران عمیق اقتصادی - سیاسی بود که گریبان تمامی جامعه آن روزی ایران را فرا گرفته بود. همانطور که جنس عمومی مردم بر علیه رژیم سلطنتی اوچ میگرفت، بهمان نسبت و بهمان آهنگ، جنبش اعتراضی و اعتراضی طبقه کارگر رشد مینمود. نگاه کوتاهی به آثار و ارقام ناقصی که روزنامه "خبر کارگر" (شماره ۶) در سال گذشته ارائه کرده است ما را به نتایجی چند میرساند. (این آثار و ارقام اگرچه ناقص هستند، ولی دارای اهمیت میباشد و "خبر کارگر" با جمع آوری آنها کارهای وابسته ای انجام داده است.) فهرستی را که این روزنامه از اعتراضات و اعتراضات کارگری ارائه داده است میتوان در جدول زیر خلاصه نمود: (ناگفته نگذاریم که بعلت ناقص بودن فهرست این روزنامه تعداد کارگران اعتراضی از تعداد واقعی کمتر است، اما ارقام زیر نشان دهنده آهنگ رشد اعتراضات و اعتراضات کارگری در سال ۱۳۵۷ است):

واحدهای تولیدی پس از قیام در مورد خواسته های اقتصادی "پیشرو" نبوده اند، نه تنها به آنها و سازماندهی آنها توجیهی مبدول نداشته اند، بلکه حتی در گوشه و کنار نظرات بی پایه ای چون خرابه شدن کارگران نفت!! توسط دولت و بورژوازی را پراکنده اند. انقلاب ایران و نقش پرولتاریای صنعتی کسبه پرچمدار مبارزه سیاسی طبقه، کارگر بود، بروشنی برای نظرات من در آوردی که ناشی از اکتونومیسیم مفرط ارائه دهندگان آنهاست، مگر باطل گویده است.

جنبش فدا میریالیستی پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا نیز نشان داد که چگونه این بخش بیثروی طبقه، کارگر قبیل از همه وقایع تراز همه به عرصه مبارزه سیاسی قدم میگذارد. مسلی کردن شرکت های حفاری امپریالیستی بدست کارگران ایمن شرکتها و تشکیل "شرکت ملی حفاری ایران" نمونه ارزنده ای از بیثروی این بخش از کارگران را بنمایش گذارد. پیشنههاد درست و بجای "شورای کارکنان صنعت نفت اهواز" پس از اشغال جاسوسخانه مبنی بر قطع صدور نفت به آمریکا، که با مخالفت مقامات حزبی و غیرحزبی حاکم روبرو گردید، نمونه ای دیگر از این خصیصه کارگران صنعتی ایران میباشد.

ناتوانی سیاسی طبقه کارگر در انقلاب

لنین میگوید: "فرجام انقلاب منوط به آنست که آیا طبقه کارگر نقش همدست بورژوازی را بازی خواهد کرد، همدستی که از لحاظ تعرض علیه حکومت مطلقه، توانا ولی از لحاظ سیاسی ناتوان است. یا اینکه نقش رهبر انقلاب توده ای را (تاکیدات از ماست)

انقلاب ایران بروشنی درستی و صحت این تئوریکستی را مبنی بر اینکه حتی در انقلابات بورژوا - دمکراتیک نیز طبقه کارگر میبایست رهبری را بدست گیرد، متظا هر ساخت، طبقه کارگر ایران در انقلاب ضد سلطنتی نهیما به رهبر انقلاب توده ای، بلکه بمنابا به همدست خرده بورژوازی ایران وارد عرصه انقلاب گردید. طبقه کارگر ایران اگر چه با ورود خود به عرصه انقلاب، که امری ناگزیر و اجتناب ناپذیر بود، نیروی تعرضی مهمی را بر علیه رژیم سلطنتی وارد میدان کرد، ولی نتوانست انقلاب را رهبری کند. طبقه کارگر ایران در تعرض علیه رژیم استبدادی و مطلقه شاه بسیار توانا بود، حتی سرکشت ترین مخالفان طبقه کارگر نیز به اهمیت بسیار اعتبارات عظیم کارگری و بخصوص اعتبار کارگران صنعت نفت محترفند و به هیچ وجه جرئت کتمان نقش این طبقه انقلابی را ندارند. طبقه کارگر ایران در وارد کردن نیروی تعرضی بر علیه خدا انقلاب فعال و توانا بود، ولی در کسب رهبری جنبش انقلابی توده ای و کوبیدن مهر خویش بر این انقلاب، ناتوان بود. این ناتوانی از ناتوانی سیاسی طبقه کارگر ایران ناشی میشود. رهبری انقلاب نه تنها برای خود طبقه کارگر و اهدافی که تعقیب میکنند، رای اهمیت درجه اول است، بلکه همانطور که لنین میگوید "فرجام انقلاب" بطور کلی منوط به این امر میباشد. یعنی آنکه در صورت کنار ماندن طبقه کارگر از رهبری انقلاب بورژوا - دمکراتیک، انقلاب با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد گشت و به کج راه و بیراهه گشده خواهد شد. همانطور که سیرا انقلاب ایران پس از قیام ۲۲ بهمن این امر را روشنی نشان میدهد.

این پس و از این دوران است که تظاهراتها مرزهای هزاران نفر و صدها هزار نفر را پشت سر گذارده و به تظاهراتهای میلیونی تبدیل میگرددند. از این دوران بعد است که دیگر مردم منتظر چهلم بیخون کشیده شدن شهردیگری نیگردند، بلکه اعتصاب و تظاهرات و اعتراض حالت روزمره بخود میگردانند و انقلاب بتمام معنای خود در دستور کار قرار میگیرد. از این دوران بعد است که انقلاب وارد تعرض نهائی خود برای بزرگشیدن سلطنت و بسه زباله دان تاریخ سپردن آن میگردد. از این دوران بعد است که در تقابل خونین انقلاب و ضد انقلاب، در مبارزه طبقاتی حاد و بی رحمانه ای که تمامی عرصه ها و شئون جامعه را در بر میگیرد، ضد انقلاب حاکم با تمام سببیت و وحشیگری خود در مقابل امواج انقلاب توده ای یکی پس از دیگری سنگرهای خود را از دست میدهد و انقلاب هر روز سنگری تازه را فتح مینماید.

بررسی اجمالی واحدهای تولیدی ای که پیش از همه وارد عرصه جنبش سیاسی گردیدند، بوضوح و روشنی تمام نشان میدهد که پرچمدار مبارزه سیاسی طبقه کارگر، پرولتاریای صنعتی ایران بوده است. کارگران با تجربه، قدیمی و صنعتی صنعت نفت ایران با اعتصاب عظیم خود با خواسته های آشکارا ضد سلطنتی و ضد رژیم نظامی % پلیسی حاکم پرچمدار این حرکت بودند. به دنبال آنها کارگران راه آهن، ماشین سازیهای اراک و تبریز، ذوب آهن و... وارد عرصه انقلاب با شعارها و خواسته های سیاسی جنبش عمومی مردم گردیدند. ورود پرولتاریای صنعتی به عرصه انقلاب، جنبه تعرضی آن را بمراتب گسترش داد و بدنبال خود کارگران واحدهای کوچک و جوان تر را نیز وارد عرصه مبارزه ساخت، اعتصاب یرشکوه صنعت نفت، که بمراتبی یکی از مهملک ترین ضربات را بر پر رژیم پهلوی وارد آورد، و نران اعتصاب ایران را بمراتب فزونی بخشید، سر مشقی برای کارگران سایر واحدهای صنعتی گردید. بساری از واحدهای صنعتی از آن پس با اعلام همبستگی و پشتیبانی از کارگران صنعت نفت و خواسته های آنان وارد میدان گردیدند. این امر بروشنی نشان میدهد که کارگران صنعتی ایران در واحدهای تولیدی بزرگ و کلیدی و سراسری پرچمدار و ستون فقرات جنبش کارگری ایران هستند. در همین جا این نکته را بگوئیم که حتی زمانیکه بخش وسیعی از طبقه کارگر اعتبارات و اعتراضات خود را بگرد خواسته های سیاسی و عمومی انقلاب سازمان سبدا، بخش دیگری از آن - به خصوص واحدهای تولیدی کوچک و دارای کارگران جوان - اهم خواسته هاییشان، خواسته های صنعتی بوده است.

این تجربه - یعنی نقش پرولتاریای صنعتی و با تجربه ایران در انقلاب - از آن جهت دارای اهمیت است که نه تنها بیکبار دیگر اصول ما ر کمیتی مبنی بر پیشروی بودن بخش صنعتی کارگران صحه گذارد، بلکه به جنبش کمونیستی هشدار داد که در درجه اول به کدام بخش از جنبش کارگری باید توجه خود را مبدول دارد. متاسفانه جنبش کمونیستی هنوز بی به اهلیت این بخش از طبقه کارگر نبروده است. بسیاری از گروه ها و سازمان ها کسبه در اعتراضات "چپ" و راست شوطه میخورند، به علت آنکه کارگران این

ولی ناتوانی سیاسی طبقه از کجا نشأت می گرفت

مهم ترین دلیل ضعف و ناتوانی سیاسی طبقه کارگر نبود یک حزب کارگری، ستاد رهبری کننده طبقه کارگر نبود که بتواند طبقه کارگر را با پرچم روشن و واضح خود، با خواسته های انقلابی خود، با تاکتیکها و سیاستهای طبقه خود در عرصه مبارکات طبقاتی رهبری کند. بدون وجود یک حزب سیاسی رهبری کننده، طبقه کارگر فاقد رهبری هدایتگر و تعیین کننده و ویژه خود، نقش رهبری کننده، انقلاب بوده ای را بازی نماید. طبقه کارگر با حزب یا بدون حزب رهبری کننده، خوش وارد انقلاب میشود. این امر جدای از خواسته ها، اسلحه و آرزوی کمونیستها و پیشروان طبقه کارگر است. یک حزب اصیل و انقلابی کارگری، طبقه کارگر را از لحاظ سیاسی توانائی رهبری انقلاب بیبخشد. بدون این

همچنین غلبه ترها و تشویرهای انحرافی برجانبه ش کمونیستی ایران آن را بیش از پیش از نقش و وظیفه ای که طبقه کارگر در انقلاب میبایستی ادا میکرد، دور ساخت. غلبه ترها انحرافی و فداکار گیتی "سرمایه داری وابسته" و نتایج زیبا نیار آن چون عمده کردن تضاد کار و سرمایه، نظرات انحرافی در مورد مرحله انقلاب ایران و... عملیاتش کمونیستی ایران را از وظایفی که بدو در ذات منخوف کرد، بیروا بین ترها انحرافی بود که بسیاری از سازمانها و گروههای جنبش کمونیستی ایران در آستانه بحران انقلابی که سه انقلاب دوم ایران با داد و دریم شاه را برای دوران طولانی "تشیبیت" شده فرض مینمودند و با نتیجه به وظایف مرسوم و ماحل خودی توجه مانشندند. نتیجه آنکه وقتیکه امواج انقلاب دوم ایران سرخاستن آغاز کرد، بسیاری از کمونیستهای ایران حیران و شوکت زده گشتند. جنبش کمونیستی ایران در نتیجه همه این عوامل نتوانست نقش چندانی در انقلاب بازی نماید و بیشتر نظاره گرانقلاب بود. طبقه کارگر چاره ای نداشت جز آنکه با خرده بورژوازی ایران در راه سرنگون ساختن ارتجاع همدستی کند.

حتی زمانیکه انقلاب با تمام توان و نیروی خویش به پیش میساخت، سرخی از نیروهای جنبش کمونیستی به عمق مسئله پی نبردند و دست از انحرافات خویش نمکشند. تا ساف با وجود که در پائین ۱۳۵۷ عده ای بگویند که کارگران را به تعطیل کارخانه



تشوین نکنیم چون در آن صورت آنها به مملات خویش خواهند رفت و تحت رهبری مردم بورژوازی قرار میگیرند!! شوگوشی اگر در کارخانه پیدا شد تحت رهبری کمونیستها خواهد بود. آنهم زمانی که همه مردم در حال برانداختن رژیم سلطنتی هستند. تا ساف باز بود که در پائین ۱۳۵۷ که برای تعیین معلوم بود که آیا معده دیریا زودتر است یا نه، تمام مملات آنها به پیش میروند. عده ای بگویند که چون حزب نیست شما بیدار نگران را سه قیام تشوین کنیم!! و تا ساف بار بود که در پائین ۱۳۵۷ که برای تعیین معلوم بود که آیا معده دیریا زودتر است یا نه، تمام مملات آنها به پیش میروند. عده ای بگویند که چون حزب نیست شما بیدار نگران را سه قیام تشوین کنیم!! و تا ساف بار بود که در پائین ۱۳۵۷ که برای تعیین معلوم بود که آیا معده دیریا زودتر است یا نه، تمام مملات آنها به پیش میروند. عده ای بگویند که چون حزب نیست شما بیدار نگران را سه قیام تشوین کنیم!! و تا ساف بار

حرب، طبقه کارگر را رتور ارد شده در میدان مبارزه طبقاتی منسبط میترانند. نقش همدست طبقات دیگر، نقش نیروی شعری و تربیتی طبقات دیگر را بازی نمادند. غلبه ترها انحرافی و خرده بورژوازی و روشنگری چریکی برجانبه کمونیستی ایران، جدائی مغرور و روشنگران انقلابی و معتقد به آرمانهای طبقه کارگر از کارگران و جیس کارگری از عوامل مؤثر عدم تشکیل حزب طبقه کارگر در ایران بوده است. حتی آعدای آنها که با نیتی مشی چریکی برای کسار و سازماندهی به میان طبقه کارگر رفتند، تا ساف تا کسرا زنده گاهی انقلابی برخوردار نبوده و با اصطلاح به "کارآرام ساسی" میفول گشتند، فعالیتی که بهیچ رو با سخگوی نیازهای طبقه کارگر نبوده است. تا کاشف نگذاریم که استیدا دحا کم برود معده لبه تیز خود را به روی طبقه کارگر و روشنگران این طبقه گذارده بود نیز در پراکنده ماندن طبقه کارگر و جلوگیری از وجود آمدن حزب طبقه کارگر، در عدم پیوند آنها با جنبش کارگری مؤثر بوده است. کساری رحمانه و زندانی نمودن عناصر پیشرو کارگری و روشنگران انقلابی، طبقه کارگر را سیت از هر طبقه دیگری از انتقال شارب، از رهبران سخته و آبدیده محروم ساخت.

همه این نیروات انحرافی ناشی از درکهای نادرست و انحرافی از وظایف و جهت ش کمونیستی در قبال طبقه کارگر، از درک نادرست و انحرافی از نقش طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک و غلبه ترهای انحرافی برجانبه کمونیستی ما بود. نتیجه آنکه طبقه کارگر چاره ای نداشت جز آنکه با خرده بورژوازی در انقلاب همدستی کند. بهتر بگوئیم این بهترین کاری بود که تحت آن شرایط کارگران قادر به انجام آن بودند. بقیه از صفحه ۳

پیام اتحادیه کمونیستهای ایران

اتحادیه کمونیستهای ایران فرارسیدن بازده اردیبهست (اول ماه مه) خجسته روز همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان را به طیفه کارگر ایران شاد جان میگوید. هر ساله در این روز تاریخ کارگران همه کشورهای اجنماعاات، نظاهراتها و راهبیماعیهای برشکومی میثاق وحدت طبقاتی خویش را در برابر استعمار و بهره نشان تجدید کرده و عزم و عهد تاریخی خویش را برای ادامه سرد در راه آزادی انسان و نجات جوامع بشری از زیرستم و عارتگری و سلطه و زور سرما به داران و ملاکان و معترضاران و بطور کلی اقلیت ستمگر، تن پرور، بهره کش و طفیلی همه جوامع یاد آور میشوند. در ایران نیز طبقه کارگر بعنوان بخشی از سپاه عظیم کارگران سراسر جهان این روز تاریخ را گرامی داشته و سنت برگزاری آنرا با پیشتازی شریفتر بن و مسعدهترین عناصر خویش در میان آتش و خون، فشار و اختناق و فقر و زندگی ظلمانی هفتاد سال تاریخ جنبش کارگری معاصر کشور ما، و در سردر دایمی با حکومتهای سفاک، شاهان، مرتجعین و دشمنان رنگارنگ زحمتکشان، حفظ کرده و پایدار نگهداشته است. اما در این هفتاد سال تاریخ نهت کارگری ما، که همیشه بطور انفکاک با پذیری با جنبش عمومی مردم برای کسب آزادی و تامین استقلال و پایه ریزی یک نظام دموکراتیک و عادلانه و بشری بیوند و همروالی داشته است، کارگران ما با مسافل نگرانها، و تکالیف عاجل، و میرمی روبرو بوده اند؛ و امسال یکی از سالهای پر

مسئله پرنگرانی و پرتکلیف است. رفقای کارگر! امسال یکی از آن سالهایی است که اسباب بزرگترین امیدواریها و شرابط بیشترین و بدترین نگرانها و خطراتی که میتواند سالهای سال یاس و پشیمانسی و نگویناری بسیار آورد، هردو با هم فراهم گشته است. ما از درون انقلاب بررگی بیرون آمده ایم و ما این انقلاب به سلسله وحشیانه یک حکومت غارتگر و وطن فروش پنجاه و چند ساله پایان داده ایم. با این انقلاب ضربات گج کننده ای بر سباط جباول و زور و قلدری ابر قدرتها و استعمارگران جهانی نه تنها در ایران بلکه در سراسر منطقه خاور میانه و وارد آمد. با این انقلاب امیدواری بزرگی در میان توده های مردم ما پدید آمد و قشرهای وسیع مردم و ارجمله کارگران به حرکت و حمولان درآمدند و برای تحقق آرزوهای سالها سرکوب شده خود و اعمال تصمیم در باره سرنوشت زندگی و مقدرات شهر و کشور خویش به تکاپو و حشیش افتادند لیکن بیش از دو سال گذشت و هیچیک از خواسته ها و حقوق اساسی مردم تحقق نیافت و در این میان کارگران بیش از هر فشر و طبقه دیگری در زیر فشارها و سخیها و مظالم این دو ساله اند. پس از این همه کشته و معلول و این دریای خوبی که در راه پیروزی سر رزم سفاک سلطنتی ریخته شد و پس از این همه مقامتها و فداکارانها در برابر قدرت های امپریالیستی سلطه گر هنوز خلق امکان اعمال نظیر و

تصمیم و حاکمیت خویش را در این کشور نبافته و بلکه با ما رها و افعی های حوش خط و خال تازه ای نیز روبرو گردیده و با زهم ممیبت های گذشته مسخاوهت کرا رشود، و چه بسیار رگه میشود. دو سال و چند ماه تجربه تلاش و مبارزه برای برپا داشتن ایرانی نو، ایرانی انقلابی، آزادمنش، مستقل و سارغ از گرسنگی و فقر و بدبختی، همه، همه، کارگران و توده های غارت شده، این کشور، ثابت میکنند که نه قدرتهای سلطه گریگانه و دول ارتجاعی و بدخواه همسایه، نه دارو دسته های حائن فراری، سلطنت و ظلمان، ساواکیها، بختیار و اویسی و همدستانان، نه مشودالها و سرمایه داران دلال و نجار محکک، نه احزاب ارتجاعی و خیانت پیشه اسلامی و غیرا سلامی، نه آن دزدانهای که از برابر انقلاب گریختند و نه این دزدانهای که در شکم انقلاب مردم پنهان شدند و تا گمان سربز آوردند، هیچیک دست از این انقلاب، از این مردم و این کشور برنمیدارند و تا زمانیکه به هدفهای یلید خود نرسند دست از هیچ جنایت و صروما یکی و خیانتی نمی کشند و مردم را به حال خود رها نمیکنند. هم اکنون هفت ماه بیشتر است که ارتش تجا و زکار یعنی های مزدور عراق به تجا و زات خود در حبوب و غرب کشور ما ادامه میدهد و به طبع بخشهایی از خاک ایران و به قصد اجرای نقشه های اسارت گرانه آمریکا و دارو دسته های سلطنت طلب فراری یعمسی ربه سازی یک کودتای ضد

ملی و فاشیستی به اعمال فشار نظامی بر مردم قهرمان ما مشغول است. در عین حال تاکنون تشبناات متعددی برای بخون کشیدن انقلاب و سرکوب مردم ایران، که پرچم آزادی و استقلال ملت های خاور میانه و بلکه تمامی شرق را بدست گرفته اند، از سوی ابر قدرتهای سفاک شرق و غرب خصوصاً امریکای جنایتکار و مزدوران مرثی و نافرستی آن صورت گرفته و هر بار با مقاومت و قهرمانی نوده های انقلابی این سرزمین روبرو شده اند. آنها با اعمال محاصره اقتصادی، به آزمایش گذاردن طرحهای کودتا بدست اسرا و سران ارتش، و ایجاد اختلاف در میان ملتها و مذاهب، دامنه زدن به شورشی فئودالی، تشویق هرج و مرج و استبداد و تروریسم، ایجاد دستجات و احزاب ارتجاعی رنگارنگ و خرید سران جاه طلب و نوکرفضت کشوری و لشگری و یا متعلق به سازمانهای سیاسی پرمدها طی تمامی این دو سال و چند ماه سعی داشته اند که مردم را در چنان متنگنه و فشاری قرار دهند که روحیه یاس و تسلیم و پریشانی حاکم گردد و سپس به هدف پلید خود نائل شوند. در این میان گروههای مرتجع و خیانت پیشه ای که تحت لسوای حزب جمهوری اسلامی و بنام "مکشا" و "روحانیت" سعی در به انحار کشیدن کامل قدرت و تجدید بنای استبداد سابق در برده دین دارند، نا جوانمر دانه بر حقوق دمکراتیک و دسنا وردهای انقلاب مردم و بر قدرت مقام و مت خلق در برابر توطئه های امپریالیستی

حقیقت

پیام اتحادیه . . .

بقیه از صفحه ۵

تا زیانه میزنند و با نکیه بر قدرت با آ آورده، خویش، با اعمال سیاستهای ترور و سرکوب و اختناق و ایحاد اختلاف و چنددستگی در میان مردم، تمامی پیروزی های بدست آمده، ملی را یکی پس از دیگری زیر نگین میکنند. این حزب کذاب و سران مرتجع و حاکم طلب آن با تکیه بر فاسدترین افشار جامعه یعنی تجار محترک و انحصارگران کالاهای وارداتی، ملاکان، مستعلات - چی های عمده و روحانیون مال پرست و با همکاری ساواکی های اسلام آورده، توده های خائن و عده ای از سران حق ناشناس و مزدور ارتش و سپاه همه حواس و فکرها را تنها منوجه یک مقصود است و آن هم زدن وحدت مردم ایران، سرکوب بیرحمانه، تشکیلاتهای کارگری شوراهای سازمانهای انقلابی قشرهای گوناگون مردم، قلع و قمع تمامی عناصر و حربان های واقفاندا میربا لیس و سرانجام استفرار استبداد مطلقه و کنار آمدن با امریالیست های آمریکا و روسی و تحدید نامی قرار دادهای اسارت ساز دملی گذشته است. همبها و دولاب عروسکی مسخره آنها هستند که آن فرار دادرشم آ و رونگین را با شیطان بزرگ بستند و هم

گروگانهای جاسوس را تحویل دادند و هم به بذل و بخشش مال و ثروت غارت شده ملت را برداختند. آنها خود از قسوم و قبیلله شیطانند، خودشان با شیاطین بین المللی اندو تمام خلعت و ذاتشان شیطانسی و ضد بشری است. اسلام و مسلمانی گری تنها پرده ریائی بی خیانت طبقاتی و غیلاف گول زنده ای بر خنجر خونینی است که این طراران بازار سیاست پس از انقلاب دائما بر پشت انقلاب مردم ما میکوبند و احفانه تصور میکنند که عاقبتی بهتر از محمد رضا شاه معدوم و فراریهای ملعون خواهند داشت.

وامای رفقای کارگر! چرا امسال یکی از آن سالهای پر بیم و امید مردم ماست؟ مگر چه شرابی است که اگر مردم و خصوصا شما کارگران ایران، که نیمی نریسن و یا بدارترین بخش این ملت ستم دیده هستید، جنبید و به تکلیف خود عمل نکنید، یاس و بشیماسی و نگونساری سالها به سراغتان خواهد آمد؟ نگاهسی عمومی به وضع مردم و کشور در این سومین سال جمهوریت کسوسی همه خبر را روشن میکند: جنگ نهار و کارانه و حنا یتکارانه عراق همچنان ادامه دارد و حتی به نوصه آمریکا و سران مرجع کشورهای متطفه حدت و شدت زیادی میگیرد. یک میلیون و نیم از اجراء ملت ما آواره شده اند؛ حرا انصا دی همچنان میناز و بو خطر محطی و فلاکت انصادی در راه است. آشوسهای فتودالی و دستجات حیانت پشه دو باره اوج می گیرند و هم اکنون بلوچستان به یک ناحیه خودمحقارها سها و مردوران آمریکا شی تبدیل

شده و جنگ شبعه و سنی خطرناکی طبق یک برنامه حساب شده و از دوسو، هم نام شیعه و هم نام سنت، تدارک میشود. حکومت آمریکا شی ترکیه به تحریک دارد و دستهای فراری در مرزهای کشور خود با ایران سنگر بندی میکند و هم اکنون آذربایجان در خطر است که چون کردستان به نقطه بحرانی عظیمی تبدیل شود، در عین حال فشار و اختناق حزب حاکم و سیاستهای ضد مردمی، فساد و ارتشاء و رورگوشی های دولت رجائی، دادگاهها، کمیته ها و اکثریت سو کرمفت مجلس به چنان درحای در این ماههای اخیر رسید، که تمام ایران، مردم همه، شهرها و روستاهای کشور در عذاب و نا راحتی و خشم و ناراضی اند و عنقریب است که گاسه صرملت سر آید و تکلیف خود را با این مارها و افعی های خوش خط و خال پس از انقلاب یکسره کند و اینها را سبزه عاقبت فلیباید چار گرداند.

اما نگرانی بزرگی که در این ماههای اول سال موجود دارد اینست که این شرایط میتواند مردم را با توطئه ها و شیطانات خطرناکی آرسوی ابرقدرتها، دستجات مزدور و اجزای ارتجاعی روبرو کند، و در واقع به تحقیق بر ما معلوم شده است که چنین توطئه ها و دشمنانی در کار است. کفنگوی برخی محافل امپریالیستی (آمریکائی و روسی هر دو) درباره تجربه ایران و تلاش هائی که از سوی بکرشده اجزاب و دستجات ارتجاعی وابسته به عرب و شرق برای تحمیل یک جنگ داخلی با مدخله اسر فدرتها صورت میگیرد، بی پایه نیست و بدون شک با تشدید

تجاوزات اخیر عراق و اخبار نگرانی آ و از برخی مناطق کشور رابطه دارد، انتخاب کیسینجر ملعون بعنوان متصدی امور مربوط به ایران از طرف دولت آمریکا، یعنی انتخاب عامل محرک و سرنام ریسن کودتا های آمریکا لاتین و جنگهای تجزیه طلبانه لبنان، در آغاز سال جدید برای هیچ و یوج سمی باشد. اخیرا دسته بندی های تازه ای که در میان گروهی از افسران عالیرتبه ارتش به گوش ما میرسد، پاره ای جوسازی های ضد انقلابی در داخل پادگانها و مراکز نظامی و پاره ای گفتگوها میان عده ای از افسران نیروی هوایی و برخی مراجع تقلید را نمیتوان دست کم گرفت. تلاشهای سران خائن حزب توده و اکثریتی های خود فروخته، که مستقیما از اربابان سفاک خود در مسکو دستور میگیرند، برای هل دادن حاکم به طرف یک جنگ داخلی بشیوه آنگولائی از طرفی تشویق شرارت های حزب حاکم و دادن وعده کمک بیگانه به آن قابل تامل و تعمق است. در عین حال شایعات مربوط به ایجاد دولت و اتحاد میان همین حزب خسیت و سران ارتش، با پادرمیانی بهشتی مکار و طلیق نقشه کیسینجر، که در این صورت یکی از طرحهای آمریکا برای انجام کودتا در کشور ما میتواند باشد، نمیتواند کلا بی اساس تلقی شود (خصوصا پس از آن قرار داد ننگین با آمریکا و خشنودی سانکداران آمریکا از سران حزب و دولت عروسکی - شان). تصور نکنید که موج نور و رسم و حشیا نه جدیدی که اخیرا در تهران و سایر شهرهای کشور اوج گرفته؛ این انفجارات ناگهانی و این

کارگر، بزرگر، دوستگوشوراهها، نبرد با پستی ها، ستیز با حزبی ها

حقیقت

خواسته ها . . .

بقیه از صفحه ۹

رزات شدید و روزمره علیه فئودالها میباشند. مسأله دهقانان علیه فئودالها برای مصادره زمینهای ملاکسان و تشکیل شوراها و دهقانی و اهمیت ویژه ای داشته و کارگران از این مبارزات حمایت میکنند. صف متحد کارگران در روز جهانی کارگران علام می کنند که دهقانان را در مبارزاتشان علیه فئودالها تنها نخواهد گذاشت.

اگر اول ماه مهر روز جهانی کارگران و روز اتحاد و همبستگی همه کارگران و زحمتکشسان جهان است، پس شعارها و خواسته های طبقه کارگران نیز به شرح ذکر محدود نمیگردد. طبقه کارگران ایران از مبارزات عادلانه کارگران و خلقهای ستمدیده جهان بر علیه امپریالیستهای ریز و درشت و شرقی و غربی و کلیه عوامل آنها حمایت میکنند. امپریالیستهای غیرعمر، حلقافانی که با یکدیگر دارند، هر مقام بل انقلاب بسا یکدیگر متحدند و به سرکوب آن میپردازند. مثلا در رابطه با انقلاب ایران از همان شروع کار ما شاهد سازشها و تباخیها می بینیم. امپریالیستهای آمریکا و روسی بوده ایم که متحرک بر علیه انقلاب ایران فعالیت صورت دادند و صد البته در تمام این توطئه جینی ها نبر

سرمست دادند. ضرباتی که انقلاب ایران بر امپریالیسم آمریکا وارد آورده است، بسه انقلابات دیگر قدرت میبخشد و ضربه ای به همه امپریالیستهاست و با لکمی ضرباتی که انقلابات و جنبش های دیگری بر این امپریالیستها وارد می آید و در حرکت انقلاب ما را تسهیل مینماید. دفاع از انقلاب و خلقهای ستمدیده فلسطین و السالوادور که بطور مشخص بر علیه امپریالیسم آمریکا در جریان است و همچنین دفاع از مبارزات خلقی ستمدیده افغانستان که روسی و عراقی ملشان می جنگند و دفاع از مبارزات چنانچه نانه طبقه کارگر لهستان که بر علیه نظام سرمایه داری مورد تبلیغ امپریالیستهای روسی در جریان است از وظایف طبقه کارگران ایران میباشد. کارگران ایران در روز اول ماه

مبارزه دو همبستگی خود را بسا همه کارگران و زحمتکشسان جهان اعلام کرده و از مبارزات خلقهای فلسطین، السالوادور، افغانستان و طبقه کارگر لهستان پشتیبانی مینمایند. اتحاد و همبستگی کارگران بگرد این مسائل و شعارها امکان پذیر است. دعشوی میان حق و باطل در جنبش کارگری و در انقلاب ایران بر سر این مسائل و شعارها میباشند. کسانی که دم از اتحاد و همبستگی کارگران میزنند و در عین حال شعارهای فوق الذکر را تخطئه میکنند، عملا صفوف کارگران را به برکنندگی و تفرقه میکشاند. کارگران آگاه و پیشرو برای ایجاد وحدت و همبستگی در میان کارگران و زحمتکشسان شعارهای فوق الذکر را در دستور کار خود قرار میدهند.



حقیقت

پیام اتحادیه . . .

پنجمه اردیبهشت ۶۰

ریگی به کفش داشته باشد و چه نداشته باشد، در هر حال نا شایسته اند و بهیچ روز نمی توانند کشور را از آشفته سازار توطئه ها و حیانت احزاب ارنجائی و از مصائب عظیمی که دامنگیر انقلاب ما شده است نجات بخشند. اگر میخواستند و با اگر میخواستند و با اگر جرئت و حساب کارهای بزرگ را داشتند با اعتماد عظیمی که مردم به آنها کرده بودند و هنوز هم بعضی ها این با آن میکنند و با قدرتی که در دستشان نهاده شده بود، دو سال و چند ماه مردم را معطل و ناراضی نمیکردند و با سپردن زمان بسیاری از امور صحنه سازیهای رعب انگیز در برخی نقاط شهر نظیر واقع شده شرو و فاسد و با تحمل ایس اعدام چند تن بنا م قاچاقچی احراب و دستجات کارا بسنه درنا صر خسروی تهران و ایجاد لحظات بحرانی نمی گشتانیدند. زد و خورد خونین در شیراز و غیره، ولیکن امید بزرگی برای یک موج معمولی فشار و اختناق نجات انقلاب و کشور و سرکوب است. این یک موج توطئه گرانه تمامی توطئه ها و مقابله با است و زمینه سازی برای کودتا نقشه های خائنه و اسارتگرانه و جنگ داخلی است. تصور نشود به همت نوده های قهرمان کشور که واقعه خانه خراب کردن ما وجود دارد، و طبقه کارگر زحمتکشان بی خانمان گرمه دره بدون شک با تکیه بر این امید و برخی نواحی دیگر حوالی کرج واقعی قادر به پیروزی های یک واقعه معمولی اعمال بزرگی است. مردم مقاوم کشور مشا رو اختناق است. این هم ما و تمام فرزندان قهرمانان بک توطئه حساب شده و طبقه در حبه ها شان دادند. رضیجان نقشه است، و تنها اینکه ایس نشان میدهند، که برای مقابله و فایح ثابت میکنند که حزب حاکم ما تمام وزان خارجی و ایسناد و سران آن در پیاده کردن ایس در سران ارتشهای برتر کاملاً طرح ها و نقشه ها و ظایف مهمی آماده اند و با وجود تمام نقشه سرعیده گرفته اند.

ما از طبقه کارگر دلیر داخلی تن به اس و نسلیسم ایران طلب میکنم و بلکه او را نمیدهند و ایستاده اند. حرکت مکلّف پیدا سم که در این شرایط های بی دربی فراینده انبوه حساس و تعیین کننده با بمیدان سوده ها در غالب شهرهای کشور گذارد و برای نجات انقلاب و بر علیه استبداد، شرارت و رزبها کشور از این وضع بحرانی و و خیانت های حزب حاکم، وجود خطرناک دست به کار اقدام شود. این واقعیت که خلق انقلابی رهبران کنونی مردم چه خود ایران با وجود تجارب گسا

ما بیوس گذشته، نشانها و تفرقه افکنی ها همچنان در صحنه و میدان سیاست با قسی مانده و بهیچ روز از میدان سدر نرفته است، و خصوصاً و فساداری بالفعل انبوه مردم به آرمان ها ئی که برای آن انقلاب کردند، نوید دهنده، پیروزی و شاهد بزرگی بر استمرار قدرت و مقاومت ملت است.

این تنها دارو دسته های مرتجع داخلی و خارجی با بان و دوسنا نشان نیستند که برای تعبیس تکلیف با مردم و انقلاب دزاین سال بر، خاطر زمینه سازی میکنند، توده های مردم ما نیز سرعت مشتاق تعیین تکلیف با دشمنان آزادی و استقلال کشور خود میشوند و در مقاومت ها، جنبشها و شعارهای متحدانه، خویش آماده و مهیبا میگرددند. وشکی نیست که مردم ایران چنانکه بر حفظ و تحکیم اتحاد و یکپارچگی صفوف خویش سخت تا کید و رزند و همچنان برای تحمل مصیبت هایی که در انقلابات همه کشورهای امری ناگزیر است برای نیل، سه آرمان بزرگ آزادی، خلیق و کشور پایداری نشان دهند، پیروز خواهند شد و طبقه کارگر با بدراس شروط اساسی پیروزی اسکا و بخش پیشتازی و رهبری کنندگی خود را در میان مردم ایفاء کند.

رفقای کارگر! بیکارها و فداکاری های بزرگی که امروز برای تحقق دموکراسی و استقلال و سدم واستگی کشور به دنیسای امیریا لیستی میخود، مباررات خونینی که امروز برای درنشاندن نهال آزادی و برای استقرار یک نظام دموکراتیک و مکی به مردم، مقدم و همراه با

با بر طبقات و قشرهای مسردم، صورت میگیرد، جنگهای کنونی با اختلاف ارتجاعی دول دست نشانده، منطقه و جنگ های بعدی با اختلافهای بزرگ تر و با خود لشکریان امپریالیسم، مرحله ای اجتناب ناپذیر و ضروری برای نیل به هدف اصلی و عالیتر طبقه کارگر، که هدف نهائی مبارزات طبقه کارگر همه کشورهای است، یعنی برای نیل به سوسیالیسم، به مبارزه برای جامعه آرمانی و واقعاً انسانی بی است گشته در آن بهره کشی و ستم برای همیشه از میان رفته و طبقات و اختلاف طبقات برای همیشه پایان میپذیرد. کمونیسم یعنی سوسیالیسم که در آن ستمگری و بهره کشی فردا فردا وجود ندارد آرمان مشترک همه سوسیالیسم مرحله ای ضروری است که طبقه کارگر با اعمال حاکمیت خود بنزجا مع زمینه های حنان جامعه ای را فراهم ساخته و همه مردم را بسوی جامعه بی طبقه و دیکتات کمونیستی هدایت میکند. هر چند طی سه دهه اخیر شکست های بزرگی برای سوسیالیسم و کمونیسم پیش آمد و پیروزیهای بزرگ سوسیالیسم در شوروی، چین و بسیاری از کشورهای دیگر بدست دارو دسته های فاسد و مرتجع و خناسنگاری که امروز برای این کشورها حکومت میکنند لگدمال و سا بود گردید، اما آرمان بزرگ کمونیستی همچنان با برجاست و یگانسه راه نجات بشریت ستم دیده است. طبقاً مبارزه برای پیروزی سوسیالیسم و نیل به کمونیسم در

پنجمه اردیبهشت ۶۰

بازوی هر کارگر ستون انقلاب است

پیام اتحادیه...

پنجاه و هفتم

خواستنه ها...

پنجاه و هفتم

وزحمتکشان است.

کارگران هر چند هم کسه
متحدانه بر روی کلیه مسائل
مرکزی و خواسته های ویژه
مربوط به طبقه خود به مسأله
بهره زدن زمانی که دهقانان
را به اتحاد با خود در نیاید
باشند، قادر به پیروزی نخواهند
شد. شرایطی که بسزوم
مسأله متحدانه کارگران
را برای رسیدن به آزادی و
استقلال می طلبد، از طرف چه
بیرونی است یا جداگانه است؟
امپریالیستها، سرمایه داران
وابسته و فئودالها که با یگانه
های داخلی امپریالیستها
میباشند، دشمنان آزادی و
استقلال ما هستند تا بتوانند
به استعمار و استعمار خود از
زحمتکشان ادا مدهند. آنها
متحدانه حرکت کرده و اینکار
را میکنند و زحمتکشان نیز در
مبارزه علیه آنها با یستی متحد
باشند. اصلی ترین متحد کار
گران در این مبارزات دهقانان
شان هستند که خود درگیر میباشند.

پنجاه و هفتم

تبدیل شود و این طبقات و
احزاب هم طبق معمول همانند
توده های با سرخوش مردم
و غلبه سیاسی در سایر طبقات و
سازش و تعطل بردا زنده و
کارگران را نیربندنیال خویش
به بدبختی و شکست گشایند.
اسم، که یک اسرا حل و شک
تکلیف فوری در سایر طبقه
کارگران ما ما تشکیل تشکیلات
سیاسی خود و متحدان به گردد
این تشکیلات است. سران
همسخت و مطالبه و سرزمینی
جنس تشکیلات با حزبی با بند
قبل تمامی محافل و جمعیتات
و بحیثیای عمومی و خصوصی
کارگران گردد، سایر طبقه
تشکیل فوری و هر چه زودتر آن
عرا هم شود. ما کمونیستها کلب
گرام و مبارزان ما را همین است.
پیروزی سرانجام آن ما را
آن طبقه کارگران است.

بایستی محفوظ بماند. مبارزات کارگران که همواره تحت عنوان "سوطه" و "احلال" مورد سرکوب قرار گرفته است، امروزه به بهانه های جدیدی چون عنگ و... "سوطه آمریکایی" خوانده میشود. این سخن تضرص ارتجاعی به حقوق مسلم کارگران امروزه آنقدر شدت یافته است که سبب این حقیقت کارگران یکی از شعارهای مرکزی حزب کمپوری و حزب شده را اکثریتیها برای برنامه فدکا رگری شان در روز اول ماه مه میباشد. کارگران علیه عزم کوش این ارتجاعیون به مبارزات خود ادا مدهند و میدهند و در روز جهانی کارگران نیز بسیار دیگر اعلام میکنند اعتصاب و مبارزه علیه سرمایه داران و ارتجاعیون حق مسلم کارگران

خود فادریه ای نقش در جامعه و دست آوردن رما ما مور مردم و کوشی هستند، طبقه کارگر هم شرط به شرط دانش تشکیلات با عمارت بدبختی سیاسی خود فادریه ای نفس تاریخی خود و کوشی رهبری مردم به سمت و جهت مبارزات خیالی و سیاسی خود. امروز هم در وحدت و شغل کارگران بدون وجود تشکیلات سیاسی انقلابی و رهبری کننده در میان کارگران، طبقه کارگران به معنای ما معنای که مردم و سروران تهدید میکنند و تلاش برای بحال با عمارت بطور مستعمل خواهد شد و بلکه خطر آن خواهند بود که کارگران به دنیا لاجه و فرما سردار طبقه دگر و احزاب سیاسی رنگارنگ سرمایه داران و جرده سرمایه داران و روستا کاران آنها

مدرنها و دسای امپریالیستی بگیر سر و وضعی در خا مع سوام با شکست ها و همرا با انحلال تلخ و دردناکی خواهد بود و در این راه مصیبت های زیادی را با بدبختی کرد. ما کمونیستها برای پیروزی کمونیسم در ایران و در سایر جها ن مبارزه میکنیم و مبارزه برای تحقق کمونیسم در جهان رسالت تاریخی طبقه کارگر و رهبریه کارگران است. ما طبقه کارگران را در کمونیسمهای کشور ما امروز با طبقه فوری سر و مقدم توری و سر و عزم که همانا سر برای اسفرا در مکرسی و بعضی استقلال کمونیسم در مسأله مقدم ترین و برتر گریس عا ملای عقب ماندنی و بدبختی کشور و سبکری و حیوان همه مردم سعی کمزاد در رهبریه و دلالت سرمایه های بگانه، فئودالها، بورژوازیها، دار و دسته های مرتجع خود که ما و امپریالیسم طبقه سرمایه داران و سران و سران را برای بعضی سرمایه کمونیسم آماده کند. سدا، با بدبختی کار ما مستقل و بیاضی دموکراتیک است. ما با تمام نظامی و ارسم و سره کپی و بعضی، کسده سده ارتباط سرمایه داری و امپریالیستی جهانی و منگی به توده طبقه ایران، که همسوی دیگر اسک مردم را ضمیر کند و سدهائی که ما محاربت ارسم است عموم اسرا در سرخوش است سیاسی و مصمم راه به آسوده زندگی سوسر مند ارمان بر آرد. هر چه اصول دموکراسی در سوسر حاری گردد و هر چه استقلال کمونیسمهای اعتماد و سبک و نظام جامعه ما را سر

مدرنها و دسای امپریالیستی بگیر سر و وضعی در خا مع سوام با شکست ها و همرا با انحلال تلخ و دردناکی خواهد بود و در این راه مصیبت های زیادی را با بدبختی کرد. ما کمونیستها برای پیروزی کمونیسم در ایران و در سایر جها ن مبارزه میکنیم و مبارزه برای تحقق کمونیسم در جهان رسالت تاریخی طبقه کارگر و رهبریه کارگران است. ما طبقه کارگران را در کمونیسمهای کشور ما امروز با طبقه فوری سر و مقدم توری و سر و عزم که همانا سر برای اسفرا در مکرسی و بعضی استقلال کمونیسم در مسأله مقدم ترین و برتر گریس عا ملای عقب ماندنی و بدبختی کشور و سبکری و حیوان همه مردم سعی کمزاد در رهبریه و دلالت سرمایه های بگانه، فئودالها، بورژوازیها، دار و دسته های مرتجع خود که ما و امپریالیسم طبقه سرمایه داران و سران و سران را برای بعضی سرمایه کمونیسم آماده کند. سدا، با بدبختی کار ما مستقل و بیاضی دموکراتیک است. ما با تمام نظامی و ارسم و سره کپی و بعضی، کسده سده ارتباط سرمایه داری و امپریالیستی جهانی و منگی به توده طبقه ایران، که همسوی دیگر اسک مردم را ضمیر کند و سدهائی که ما محاربت ارسم است عموم اسرا در سرخوش است سیاسی و مصمم راه به آسوده زندگی سوسر مند ارمان بر آرد. هر چه اصول دموکراسی در سوسر حاری گردد و هر چه استقلال کمونیسمهای اعتماد و سبک و نظام جامعه ما را سر

است ولی کردارشان بسیار راست!

اس چپ ساشی مفرط سینا از هر کس به روی بونبستیها سود
مسرساند. آنها هم بطور مرتب در گوش کارگران به نجوا مشغولند که
بهرمن کاری که طبقه کارگر میتواند انجام دهد، آنستکه به
تولید و بازهم تولید سردار دو کویا اس امر مهمی "مبارزه"
سیاسی" طبقه کارگر است. اینها هم به کارگران توصیه میکنند که

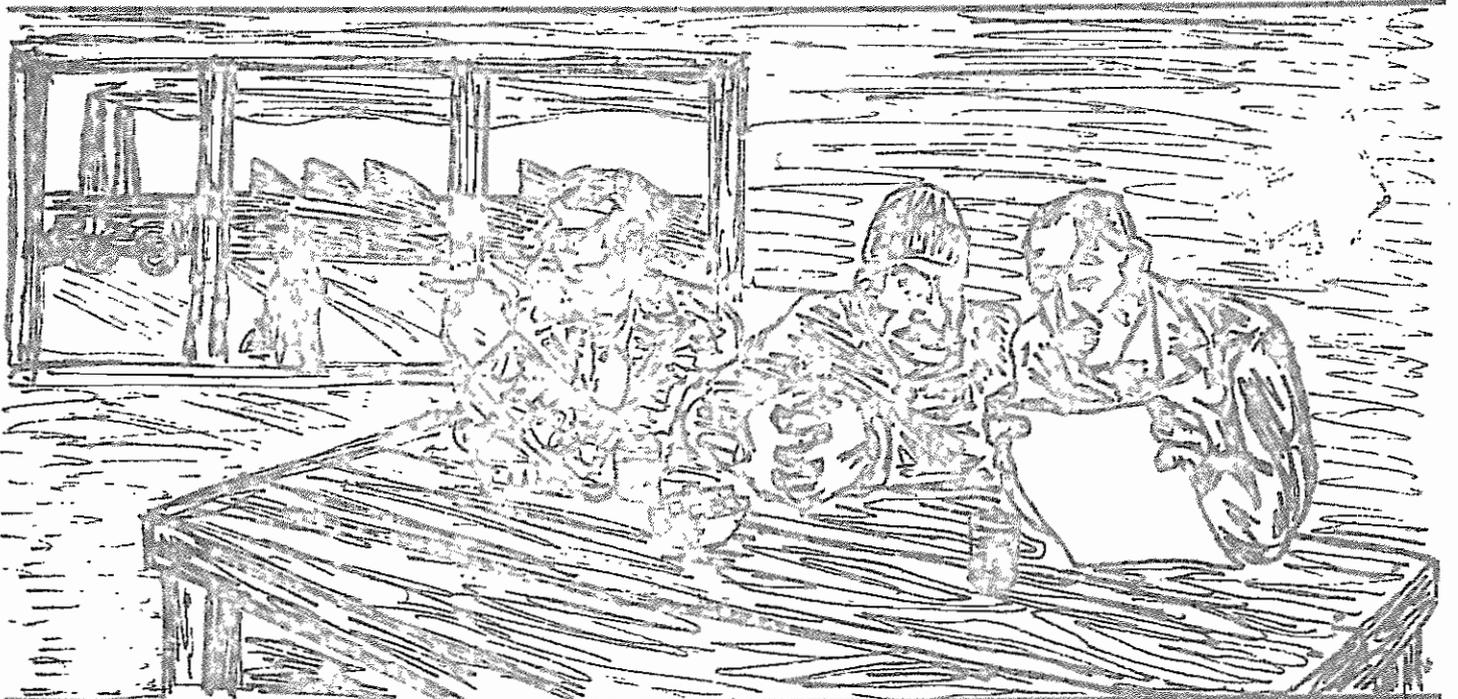
فقط سه مبارزه اقتصادی بردارند، ولی البته در حیا رحب و
فان و بیایر سمیت شناختن تا موتما قدرت خاکمه. اینها هم
کارگران را نه تنها به همدست بورژوازی و خرده بورژوازی، بلکه
به دنبالچه بی چون و چرای این طبقات تبدیل می‌سازند.

تا بدستهای فرقی که پس چپ نماها و روی بونبستیهای رنگا-
رنگ در سر خوردن حین کارگری بتوان یافت این است که
روی بونبستیها خواهان تحقق سرخی خواسته های واقعی کارگران
بطور مساومت آمیز هستند، ولی چپ نماها همس مبارزه اقتصادی
را میخواهند بطور "قیصر آمیز" بخلوبیرند. هر دو ی این حربا نسبت
حین طبقه کارگر را به کجراه میکشاند و آنرا به دنیا لجه و همدست
طبقات دیگر تبدیل میگردانند.

فراخام انقلاب مسوط بد آنست که پرولتاریای ایران نفس
همدست طبقات دستکرا در انقلاب سازی میکند یا نقش رهبرانقلاب را.
سرولتاریا نمیتواند نفس رهبرانقلاب ایران را بازی کند
مگر آنکه به سنا در رهبری کننده خود، حزب طبقه کارگر مسلح گردد.
سرولتاریای ایران وحشت کمونستی ایران با بد در راه تکمیل
این حزب قدرتمند سردار قدم بردارد. سرولتاریای ایران با بد
رهبری انقلاب دمکراتیک و خدا سر با لبسی مردم ایران راسته
عقده کرده، با بد سر جم خونن تحقق قطعی آزادی و استقلال ایران
را حکم کند. سرولتاریای ایران با بد بر چما استقلال واقعی
ایران ارهغه قدرتیای اصرا لبستی جهان را برافرازد و همه
مردم ایران را بگردا بسن در حق فراخواند. سرولتاریای ایران
با بد بر چما آزادیخواهی را محکم در دست گیرد و همه زحمتکشان
ایران، و در درجه اول دهقانان ستمدیده را، بگردان فراخواند.
سرولتاریای ایران با بد نقش رهبرانقلاب ستمه کاره ایران
را بعهده بگرداند!

هیچ کدختی اس ارشام ۲۲ همین هم بیروهای حسیس
کمونستی ما سه و طایف خونن آسا میکشند و در احراف "چپ" و
راست غوطه میخورند، و نتیجه آنکه همور هم طبقه کارگر نینیا نفسن
همدست خرده بورژوازی را بازی میکنند!

چپ ساشی پس از قیام ۲۲ بیض ستمانه خطری جدی حسیس
کمونستی و جنبش کارگری ما را تهدید میکند. بسیاری ارسروها
و گروههایی که خود را مسلط به جنبش کمونستی ایران میدانند،
با نرهای انحرافی خود از ورود طبقه کارگر به عرصه مبارزه
سیاسی حاصه جلو میگیرند. آنها از یک طرف سروری مبارزه صدا صبر-
با لبستی مردم ایران مهراطل میکشند و طبقه کارگر را از ورود
به آن و گرفتن رهبری اس حسیس سرحدرا سته و میدارند. منطور
ما آن است که کویا با نوصه های ایسان، کارگران در مبارزه
عمومی خدا میریا لبستی شرکت نمیجویند، بلکه آنستکه ما زهم
کارگران بدون رهبری و سا حارستانه همدست خرده بورژوازی
و ارداین عرصه میگردند. از سوی دیگر آنها حنی بروی مبارزه
آزادی طلبانه مردم ایران با اس بیانه که این حرکت
رهبری بورژوازی سرار دارد، مهراطل میکشند و طبقه کارگر را
از ورود به این عرصه از مبارزه سرحدرا سته و میدارند. با ره-
کارگران و ارداین عرصه میکشند و به نوصه های ایسان گوش فرا
نمیدهند، ولی با رهم سنا چار حون ارتسکیلاب مسفل و رهبری
کننده خوین بی بهره اند ستمانه همدست بورژوازی و خرده بور-
ژوازی. اس سروها و گروهها عملایقه کارگر را از مهم ترین
عرصه مبارزه سیاسی دورنگا میدارند.
ایسان سارهای غلبتی در مورد انقلاب و سرنگون کردن حکومت
میدهند، ولی در عمل فقط کارگران را به مبارزه اقتصادی دست
میکشند، و فکر میکنند که با مبارزه اصمادی ما درخواهند بود که
حکومت را سرنگون سازند!! کفتارشان بسیار تشن و "چپ"



حقیقت

خواستنه ها . . .

نقشه از صفحه ۱۲

ما هو سردواندن آنها میباشد و این کلاسها نیز وسیله ای برای تحکیم قدرت این آقایان در کارخانجات تدهاست . کمکیهای بیدریغ کارگران در پیوست حبه و در عین حال تعرضی استن آقایان به دستمزدهای کارگران بیبها نه جنگ و آوارگان جنگی و همچنین مشا هده نشو هین های و فیحانه آنها ن به همین آوارگان جنگی اسزجار و بپهرت کارگران از حزب شدت پخشید . این مبارزات اگرچه در بستر عمومی مبارزات مردم قرار داردا ما بطور مشخص به ان منصل نیست . مبارزات پرا کنده کارگران بر علیه انجمن های اسلامی و نهادهای حزبی در کارخانجات بایستی بسه مبارزه بر علیه خود حزب تصمیم یابد . مبارزه برای دموکراسی امروزه در مبارزه برای سرنکو نی قدرت استبدادی و در عین حال پوشالی حزب جمهوری اسلامی مفهوم و معنی پیدا می کند . اتحاد و همبستگی کارگران در مبارزه برای سرنکو حزب خودکامه جمهوری اسلامی از اریکه قدرت نه تنها سسرای پیروزی دموکراسی بلکه هم چنین برای پیروزی سراسی امیریا لسم و تحقق استقلال کشور و طبقه ای عاجل را تشکیل میدهد . مبارزه بر روی این

دو خواسته اساسی برس سازد های انقلاب برای ندا و جهت پیروی در راه آزادی و استقلال است . کارگران بیروصف مشخو همسینه خود را بگرداسن دوشا مرکزی سو خود میا و رسد کلیه تسنات روضیویستها در این دور مینه را در میان سوده کارگران اساء و طرد مینما بند . آن افراد و تنکیلاتها شی که بر اساس این شها فعالیت خود را سا زماندهی نکنند و یا سر فده آن حرکت کنند . علیرغم تمام فربادهای اتحسساد و همستکی ظلمی شان نه تنها قادر به منحد کردن صف کارگران نخواهند شد ، بلکه خود و تنکیلات شان مورد لعن و نفرین کارگران واقع خواهد گشت . در این روزگار کارگران جهت حفظ و ایجاد دمی متحد در مبارزه بر روی مسائل مرکزی فوق ، حقوق و خواسته های منغسی و دموکراتیک خود را عنوان می نمایند . اما این حقوق و خواسته ها در مطالبه یک قانون عادلانه ، کار و طرح و تدوین آن با نظارت و سراط تا شد کارگران سراسر کشور میباید شسد . کارگران بر اساس این مطالبه اساسی در این روزها شسل مشخصی را که در میان همه کارگران عمومیت دارد تعیین نموده و در حرکتی متحدانه آنها را طرح مینمایند . کارگران با طرح این مسائل در زیر شها رهسای مرکزی فوق الذکر عملا نشان میدهند که این خواسته ها نسه تنها نقابلی با مسائل مرکزی انقلاب ندارد ، بلکه سها از طریق فرار گرفتن در راه مبارزه ای با سها ره های فوق الذکر میتوان به خواسته های منغسی خود کامه عمل بسوشاد . مهم ترین مسائل اقتصاد کار

کران ، مسئله سکاری وهم چنین سطح دستمزدا سست ، سراسی روسعی از کارگران و رخصکان امروزه در سصف سکاران قرار گرفته اند وهم چنین خطر سکاری ساری از کارگران شاغل را نیز تهدید میکند . جنیدی پیش در مقابل اعتراض کارگران سکار و سخی از کارخانجات به اسدازه ۵۵٪ از پرسل خود میباید سستی کارگر اسخدا م میگردد و امروزه همین افراد را سبزه استناد سها ینگه موفی سوده با د ا خراج میکنند بطوریکه تنها از کارخانه ایران تا سیونال چند صد کارگر در سرف ا خراج هستند . دومین مسئله مهم اقتصاد در مبارزه کارگران ، سطح دستمزدها است که مبارزات عمومی و نندی بر سر آن در جریان سوده و هسب ، اس مبارزات به اشکال مختلف خون مبارزه بر سر سود ویژه که بخشی از حقوق کارگران است و مبارزات منقسم در رابطه با خود دستمزدها وجود داشته است ، هر ساله در حین زمانی دولت حداقل سطح دستمزدهای کارگران را تعیین میکنند . در تعیین حداقل دستمزدها سها شرح شورم و کرانی در رابطه بطور واقعی در نظر گرفته میسود . دستمزدهای کارگران بایستی سرنمای در حده شورم و کرانی در رابطه تعیین شود و کارگران با سستی در تعیین آن داخلست ردا شده با سد . از میان حقوق دموکراسی تیک کارگران ، حق انصاف و حق ایجا د تنکیلاتهای مناسبت برای این مبارزه مهمترین خواسته ها هستند . امروزه هر دو این حقوق هم از طرف حزب حاکم وهم از طرف روسیویستها مورد تعرض قرار گرفته اند . در طول

یکسال گذشته اکثر تنکیلاتهای کارگری را بطرق مختلف سرکوب کرده و از زمین سده اند و هنوز سها این کار ادا مه میدهند سها آخرین تنکیلاتهای کارگری را از میان سدرارند . غیرنا سوسی اعلام کردن این تنکیلاتها و سرکوب و بیکرد و دستگیر ساری اعضای آنها امری سسبار متداول بوده است . ظرف همین هفته گذشته برخی از اعضای شورای کارخانه کاشی سعیدی ریوده سده اند و هنوز مفتوذا لاسر میباشند و همچنین اعضای شورای کارخانه رامیاد همگی دستگیر شده و در زندان سراسی سرنند . این حملات که سردمدار آنها حزب جمایق بدستان جمهوری اسلامی است در همین حا متوقف نمی شود . آنها پارا از اینهم فراتر گذاشته و نیروهای خود را در کارخانجات تحت عنوان انجمن های اسلامی مستفسر ساخته اند . در زمانی که تنکیلاتهای کارگری را یکی پس از دیگری از بین میبرند ، ما کمک حزب توده و اکثریتیها سندیکارهای فرما بینی خود را که همیگدا م بیش از هشت تا ده نفر عضو دارد ، برپا میسازند . ایجا دشورا ها و سندیکارهای واشغی کارگری از خواسته های دموکراتیک است که کارگران ایران امروزه برای آن مبارزه میکنند . نا گفته پیداست که اسن تنکیلاتها از این جهت مورد هجوم و تعرض قرار گرفتند که مبارزات کارگران رابه پیش میبردند و کارگران نیز از همین زاویه به تنکیلات سها زندند . حق مبارزه و اعتصاب همواره از خواسته های کارگران سوده است و میباید سها و نحت سها بطبی

بقیه در صفحه ۱۲

دستان هر بزرگ یاور انقلاب است

خواستهای طبقه کارگر

در باره روز جهانی کارگر و همبستگی میان کارگسران و زحمتکشان سراسر جهان صحبت های زیادی شده و مطالب نسبتاً مفصل نوشته شده است. ارزش این روز برای کارگران آنقدر زیبا نیست که حتی دشمنان کارگر خود را در طاهر میگردانند. نشان داده و به استقامت خود از آنان ادا می دهند. دم از وحدت طلبی در میان کارگران سرای این روز میزنند. آنچه که برای کارگران بی رویا اهمیت دارد و با بستی از این زاویه به مسئله اتحاد دو همبستگی میان کارگران بینگردد اینست که این یکپارگی چکی و اتحادیه که درجه مسائل وجودی و اجتماعی با بستی بوجود آید و اصولاً چه نقشی در تکامل انقلاب می تواند داشته باشد. در جانش کارگری ده های میان حق و باطل بر سر است که سنگی است و وجودت و یکپارچگی را به رخ می کشد و تری نامساوی را می کشد و نشان داده که کارگر که خسته شود، بلکه عوارض آن را در او نشان می دهد. انقلاب سوسی است که به قول آنجا می توان به امید و وحدت و همبستگی میان کارگران روز جهانی کارگران را در دست راستی و نفس اتحاد است. کارگران را سوار بر یک دوطرفه کارگر اکوسیستم به صورت رهبری حرکت داد. روال امروزه مسائل تا حدی همبستگی یکپارچگی میان ارجاعی و متحد مردم هستند. حزب خود که ماه به توری اسلامی نه با زوهد و یکپارچگی سخن میگوید اما عملاً به توری سوسی نصرته افکن است. این حزب مسکود برای حفظ وحدت سوسی سوسی ساکت شونده و سردن به خود را مکتب ها و دولتی روشی های

این دار و دسته ارتجاعی سید، دمچین سروری خود فروخته ای چون حزب توده برای روز جهانی کارگر بسیار رسیخته چاک می دهد و از لزوم اتحاد دو همبستگی دم میزند و جنبش اتحادی را میخواهد زیر شعار تولید هر چه بیشتر توسط کارگران و "اخلالگری" خواندن مسازات آنها انجام دهد. این اتحاد دو همبستگی با بستی نگردد خواسته ها و شعارهای انقلاب صورت گیرد. خواسته های که انقلاب ما بسرای کسب آنها جریان با فست مرکزی ترین خواسته های انقلاب ما استقلال و آزادی بوده است. طبقه کارگر می بیند مساز از بدو شروع این انقلاب سروری این دو خواسته استوار و محکم میاره کرده است و در هر دوره ای از این انقلاب نقش ارزنده خود را در این مسازات نشان داده است. در آنجا که اگر چه از داشتن ستاد رهبری گسخته خود، یعنی حزب طبقه کارگر معروم بوده است و در جنبش نتوانسته در زمینه رهبری انقلاب سروری کند و انقلاب را در راه با خاسته ها بسازد اما مسازات جانشان سروری این مسائل آشکارا نشان می دهد که در این مسازات قهرمانانند کارگران در دوران قبل از قیام مومنین و مسازات آن در هر یک از این زمینه ها نشان این بد تا بنسند.

مبارزه برای استقلال و آزادی بصورت عام خود نمی تواند به مطرح شده و هر دوره در رابطه با مسئله مشخص خود را نشان میدهد. امیرالاسم آمریکا که دشمن اصلی انقلاب اسگران میباشد تا سال توطئه های

مختلفی بکار برده است. آخر بین توطئه آمریکا، تجسوز مزدوران بعثت به انقلاب و میهن ما بوده و مبارزه برای استقلال در دوره اخیر بصورت مقابل با نجات و زات سعتی های تجسوزگر که اگر چه طبق نقشه آمریکا حرکت کرده اما از حمایت تمام امپریالیستهای ریز و درشت و شرق و غرب برخوردار میباشند، خود را نشان میدهد. کارگران موضع خود را در مقابل این جنگ از همان ساعات اولیه تا زات عراق، نشان داده اند. از همان ساعات اولیه جنگ سرور شوق خاصی در میان کارگران موجود است و همه میخواهند با این بطریقی در ارتباط با این مسئله به فعالیت بپردازند. کارگران چه با حضور خود در جبهه و چه با کمک های خود در پشت جبهه با این نجات و زات مقابل نمودند. اما نیروهای حاکم، چه حزبی های تسلیم طلب که با فیض کردن کلاسهای مسیح و آموزش نظامی در کارخانجات و مشغول کردن کارگران و درسوده نمودن سروری آنها سعی میکردند که کارگران و مساز را نسبت به جنگ بی تفاوت گردانند و به بی بندوبست میگردانند. خواست و تمایلش به مبارزه در مقابل این نجات و زات به بار نیس نکیه کرده است، جلوی شرکت کرده را در این جنگ می گرفتند. سوسی ترشیم طی غرابینسیدی از کار رنگینی ها در جبهه و همچنین جلوه گری از مسلح شدن مسازم برای مقابل با تجسوز اسگران که تا به امروز جریان دارد، زمینه های سازش با عراق فراهم آمده است. در نتیجه اگر مبارزه برای استقلال در دوره اخیر خود را بصورت مبارزه ساسا نجات و زات عراق جلوه گرا خسته

است این مبارزه امروز بصورت مشخص بصورت مقابل با هر نوع سازش و تسلیم با بعثت عراق بر سر خاک ایران خود را می نماید. اتحاد دو همبستگی کارگران در مخالفت با هر نوع سازش بر سر خاک ایران و جبهه استقلال طلبی مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در روز اول ماه مه خواهد بود. مبارزه برای آزادی وجه دیگر مبارزات انقلابی مسازم ایران است. این جنبه ساز مبارزه که همواره وجود داشته است از شروع جنگ اسگران و عراق رشد بسیاری یافته و امروز با دیگر خود را بسنوا یکی از مسائل مرکزی انقلاب در دستور کار قرار داده است. مبارزه کارگران در این زمینه نیز همواره جایگاه والای خود را داشته است. در دوران اخیر نیز که این مبارزه بصورت مشخص حزب خود که مدو مستبد جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است، ما شاهد شرکت فعال کارگران در این مسازات بوده ایم. فعالیت های ارتجاعی این حزب درون کارخانجات و هم چنین در سطح جامعه زمینه های اس آگاهی را بوجود آورده است. حمله به نیروهای کارگری، اخراج بلا انقطاع کارگران پیشرو و مساز را درون کارخانجات زمینه های انزحیاس کارگران از این ماه به این طرف سست یافته است. بعد از جنگ ایران و عراق که کارگران مشتاقانه سه صفوف کلاسهای آموزش نظامی میپیوستند، در عمل چه در کارخانجات و چه در جبهه ساسا درک کرده اند که مسئله این آقا ساسا جنگ و استقلال سبوده و بلکسه

جنبش کارگری لهستان:

روسا کننده دشمنان دوست نمای طبقه کارگر

مهم‌ترین و گسترده‌ترین جنبش کارگری ای که در طی چندین سال گذشته در مقیاس بین المللی بپا گردید، بدون شک جنبش عظیم کارگری در لهستان است. ابعاد این جنبش بسیار وسیع است. میلیون‌ها کارگر در آن شرکت جنسند و بلا نقطه سبزه از یک سال است که در مبارزه با دولت لهستان می‌نهند. این جنبش در سیرنکا مل خود به پیروزیهای چشمگیری چون تشکیل "اتحادیه" همبستگی" دست یافت و اقشار و طبقات دیگر چون کشاورزان و دانشجویان را نیز به میدان مبارزه کشاند.

ولی مهم‌ترین خصیصه (ویژگی) این جنبش عظیم کارگری آنست که در کشوری جریان یافته است که خود را "سوسیالیستی" میدانند، و با صلاح از "حکومت کارگری" برخوردار است. در کشوری انضامی می‌افتد که گویا کارگران در راس حکومت هستند!! جنبش کارگری آنهم بدین وسعت علیه "حکومت کارگری"؟! همس امر در عمل نقاب از چهره بسیاری از دشمنان دوست نمای طبقه کارگر گردید. آن نیروهای سیاسی ای که در ایران (چون حزب خائن نوده و حریکهای فدائی اکثریت) که ملخمن دو آتشه ابر قدرت شوروی و اقمارش در اروپای شرقی هستند، همبستن نیروهای سیاسی که مرئسا به گوش طبقه کارگر ایران و ملت فهران ایران موعظه میکنند که ما در وجود ابر قدرت شوروی و طرفدارانش، دوست‌های "انقلابی" باید جستجو کنیم و... در مقابل این جنبش کارگری عظیم حفران گرفتند و با هزاران حیل و قصد توجیه آنرا دارند. ولی واقعیات شکننده را با هزاران سرگ توجیه‌نا مه نمیتوان کنمان ساخت. کارگران ایران سدرستی در مورد کارگران لهستان و مبارزه عظیمی که بر پا ساخته اند حساس هستند.

کارگران ایران می‌پرسند: این چگونه "حکومت کارگری" است که اکثریت قاطع کارگران لهستان از آن بیزارند؟ این چگونه حکومت "کارگری" است که دستور تعقیب کارگران را می دهد و رهبران آنها را زندانی میکند و با نیروهای امنیتی اس بدان حمله و می‌شود؟ کارگران ایران می‌پرسند: این چگونه حکومت "سوسیالیستی" است که فقط ۲۷ میلیارد دلار (معادل ۵۴۰ میلیارد تومان) به امیرالیستهای غربی بدهکار است و امسال تا بد ۷/۵ میلیارد دلار (معادل ۱۵۰ میلیارد تومان) تقریباً نصف بودجه پیشنهادی (۱۳۶۰ ایران) به همبستن جهان‌نخواران افساط و بهره‌این و امهارا میردا زد. ولی حنون ندارد، بسوی آنها دست گذاشتی مجدد را ز کرده است؟ کارگران ایران می‌پرسند این چگونه حکومت "کارگری" است که امیرالیستها - یعنی خوخوا رترین و بی رحم‌ترین دشمنان طبقه کارگر و شوریت - برای نجاتش از سقوط قول همه نوع "کمک" بولی و مادی و معنوی راداده اند؟ کارگران ایران می‌پرسند این چگونه حکومت "کارگری" و "سوسیالیستی" است که از تسکین طبقه کارگر جلوگیری میکند، همان کاری که امیرالیست‌ها، سرمایه‌داران و مرتجعین و دولت‌ها بشان در تمامی کشورها انجام میدهند؟ رویزیونیستهای روسی مآب (همان هائی که

دشمن طبقه کارگرند ولی لباس "مارکسیسم" به تن کرده اند، یعنی امثال حزب توده و جریکهای اکثریت) در عین تهمت‌های نجس زدن به کارگران لهستان توجیهات بی پایه‌ای چون "اشتها" دولت و... را می آورند. ولی واقعیت غیر از اینست. واقعیت آنست که این دولت املا دولت "کارگری" نیست. یک دولت سرمایه‌داری است که فقط نقاب "سوسیالیسم" و "کارگر" به چهره کشیده است تا بدین وسیله کارگران و خلقهای جهان را فریب دهد. و اهمیت تایان توجه جنبش عظیم کارگری لهستان هم در این است که این نقاب را از چهره این دشمنان دوست نما درید!

ابر قدرت شوروی و مذاقمان بی جیره و مواجیش در کشورهای دیگر برای به لوث کشیدن جنبش کارگران لهستان، برچسب‌های نجس به این مبارزات درخشان می‌زنند. این امیرالیست‌های تازه وارد به میدان رقابتهای امیرالیستی که اروپای شرقی را حوزه نفوذ خود میدانند و هرگونه حرکتی برای رهایی از یوغ سرمایه‌داری و زورگویی سوزووازی (سرمایه‌داران) روسی و لهستانی و... را گناه کبیره میدانند، با حوان مردانه تهمت "آمریکائی" بودن را به جنبش کارگری لهستان می‌زنند. (ایمن تهمت همه کارگران ایران را با دلاطت فلات مرتجعین "مکتبی" حزبی و همپالکی هایشان در ایران میاندا زد که هر حرکت حق - طلبانه کارگران را به توطئه "خدا بقلاب" نسبت میدهند. این تهمت همه کارگران و مردم ایران را سیادا را جیف بیما رگونه امیرالیست آمریکا می‌دارد که انقلاب ایران و انقلاب سایر خلقهای محروم جهان را به توطئه "روسها" نسبت میدهد. در قلموس این دوا بر قدرت دسیسه‌گر چیزی جز دسیسه و توطئه طرف

بقیه در صفحه ۱۳

کارگران و زحمتکشان
جهان
بر علیه ظلم و استبداد
استمرار



